

این خانمهای طلبه وقتی درس طلبگی میخوانند و ما این همه فاضل زن داریم، حضور اینها در بین خانواده‌ها، در اجتماعات زنان خیلی مغتنم است. یک روز یک بانوی اصفهانی بود، ملای خوبی بود و در علوم عقلی و مانند اینها بیشتر تخصص داشتند، خانم محترمی بود؛ مرحوم آقای طباطبائی دیدن ایشان رفته بودند، با ایشان ملاقات کرده بودند، مباحثه کرده بودند و مانند اینها؛ و خوب افتخار میکردیم که یک بانوی فاضله‌ی عالمه‌ی داریم؛ حالا چند ده هزار طلبه‌ی فاضل [داریم] که بینشان تعداد زیادی فضیلتی برجسته هستند - چه در زمینه‌ی علوم عقلی، چه در زمینه‌ی فقه و بقیه‌ی دانشهای رایج حوزه - [این] خیلی چیز مهمی است؛ [باید] جایگاه اینها معلوم بشود

ظرفیتهایی که در طلباب خواهر هست، به رسمیت شناخته بشود و در مراکز گوناگون فرهنگی و فکری و مانند اینها، در این کمیسیون‌ها، کمیته‌ها، شوراها و در مراکز رسمی از اینها استفاده بشود؛ این به نظر من جزو کارهای مهمی است که در حوزه باید انجام بگیرد. ما هم اگر از لحاظ اجرایی کمکی لازم باشد بکنیم، حرفی نداریم. این کار، کار ما نیست، کار حوزه است؛ منتها ما میتوانیم از لحاظ اجرایی سفارش کنیم، کمک کنیم، که میکنیم اگر مطلبی برسد.

مسئله طلبگی



حوزه‌های علمیه مرکز آموزش اسلامند؛ بالاخره دین باید فهمیده بشود، شناخته بشود، دانسته بشود، عمیق‌یابی بشود، [اندا] مرکز لازم دارد؛ این مرکز، حوزه‌های علمیه‌اند که عالم دینی درست میکنند. حوزه‌های علمیه، مرکز تعلیم اسلامند. اسلام فقط معرفت نیست، تعهد به عمل و تحقق احکام اسلام هم جزو اسلام است؛ یعنی یک وقت هست که ما اسلام را - که میخواهیم در حوزه یاد بگیریم - فقط عبارت میدانیم از اصول و فروع و اخلاق و همینهایی که هست - [که] واقعیت هم همین است؛ [یعنی] اصول دین، فروع دین، ارزشهای اخلاقی، سبک زندگی، آئین حکمرانی، اینها همه جزو اسلام و جزو معارف اسلامی است - خوب اینها را باید برویم در حوزه‌ی علمیه یاد بگیریم. لکن این [برداشت] درست نیست؛ این بخشی از کار حوزه‌های علمیه است؛ چرا؟ چون این بخشی از اسلام است؛ بخش دیگر اسلام عبارت است از محقق کردن این حقایق در متن جامعه، در متن زندگی مردم، یعنی هدایت؛ این بخشی از اسلام است دیگر. اسلام فقط توحید به معنای علم توحید با همان عمق و معرفت عرفانی و فلسفی و [مانند] اینها نیست، بلکه اسلام عبارت است از استقرار توحید در جامعه؛ یعنی جامعه موحد بشود؛ این هم جزو اسلام است. پدیده خواهران طلبه خیلی پدیده عظیم و مبارکی است. هزاران عالم، پژوهشگر، فقیه و فیلسوف در حوزه‌های علمیه خواهران تربیت شوند؛ این چه حرکت عظیمی خواهد بود»

«حضور دانشمندان اسلامی زن در عرصه‌های مختلف - مثل حضور دانشمندان فرزانه و فهمیده دانشگاهی زن که متدین و متشرع هستند - اثرات بسیار عظیمی را در دنیا می‌گذارد؛ برای انقلاب آبروست.»

«بانوان باید خوب درس بخوانند. البته هدف نهائی درس خواندن بانوان، تنها مجتهد شدن یا فیلسوف شدن نیست - ممکن است عده‌ای علاقه‌اش را داشته باشند، استعدادش را داشته باشند، وقتش را داشته باشند، عده‌ای هم نه - آشنائی با معارف اسلامی و قرآنی است که می‌تواند برای خود آنها و برای دیگران مورد استفاده قرار بگیرد»

طلبگی سربازی امام زمان

عجل الله تعالی
فرجهما

لیک یا مهدی

www.zeynaby.ir

جایگاه حوزه و اهمیت حوزه در کلام رهبری (مد ظله العالی)

مدرسه علمیه حضرت زینب (سلام الله علیها)

شهرستان امیدیه - پاییز ۱۴۰۰

۱. اینجا کجاست؟

فرض کنید انبیا در جامعه اسلامی یا در جامعه بشری حضور پیدا کرده اند... دینشان را آورده اند و احکامشان را تدوین کرده اند؛ اینها بایستی در بین مردم مرتب ترویج و تبیین بشود... اینها به مجموعه شاگردانی احتیاج دارد. امروز فرضاً اگر پیغمبر مکرم (ص) بنا بود در این دنیای بزرگ و پیچیده حضور داشته باشند لابد برای اینکه کارهای خودشان را انجام دهند- فکر راه امر به معروف راه، نهی از منکر راه، تبیین احکام راه، همان کاری که آن زمان گروهی را به این طرف و گروهی را به آن طرف می فرستادند- سازمانی لازم داشتند... اگر آن بزرگوار در این زمان می خواستند چنین سازمانی درست کنند این سازمان شما بودید! امروز روحانیت باید خودش را در این موضع ببیند. چون بنا نبود کارها با امور غیبی و با معجزه پیش برود بالاخره باید از طرق عادی و با زبان انسانها کارها انجام می گرفت. بنابراین از سازمانی استفاده می کردند که امروز، نام آن روحانیت است.

۲. باید عمل کنیم، تا بتوانیم اثر بگذاریم.

طلبه باید با دعا، با ذکر و با مناجات انس پیدا کند. طلبه باید زندگی خود را یک زندگی دینی محض بکند. طلبه باید دل خود را پاک و صاف کند، تا وقتی در مقابل انوار معرفت و توفیقات الهی قرار گرفت، تلاًو پیدا کند؛ برادران! بدون اینها نمی شود. ما کسانی را داشتیم که از لحاظ علمی، مراتب بالایی هم داشتند و مغزشان قوی بود؛ اما دل و روحشان ضعیف و آسیب پذیر بود. وقتی اینجا آن بنیهی معنوی و دینی ساخته نشود، آنجا که پای مقام و امکانات مادی به میان می آید، انسان می لرزد؛ آنجا که پای فداکاری به میان می آید، انسان می لرزد و نمی تواند جلو برود؛ آن وقت چطور می شود یک ملت و یک مجموعه را هدایت کرد؟ باید عمل کنیم، تا بتوانیم اثر بگذاریم.

۳. بی مایه فطیر است!

اولین گام، قدم علمی است. من اصرار دارم که حوزه‌ی علمیه به علم- همین علم مدرسی خود ما- بپردازد. این طور نباشد که اگر ما سیاست فهمیدیم یا به خدمات اجتماعی و خدمت رسانی به مردم علاقه پیدا کردیم، از کار تهییز و تسلیح معنوی و فکری خود باز بمانیم. بی مایه فطیر است؛ باید عالم شد. نیت کنید عالم شوید و جمعی را به برکت علم خودتان عالم کنید؛ نه ارشاد کنید؛ ارشاد باب جداگانه‌ای است.

۴. تا برنامه تغییر نکرده است

درس خواندن را جدی بگیرید عزیزان! نگوئید چون این برنامه فلان عیب را دارد، پس برنامه هیچ؛ نه. تا برنامه تغییر نکرده است، همین برنامه‌ای که وجود دارد، باید با جدیت دنبال شود. باید درس بخوانید. تا قبل از اتمام دوره‌ی سطح، توصیه‌ی من این است: طلبی که مشغول به سطوح هستند، تا قبل از آن که از سطح خارج شوند، به هیچ کار دیگر غیر از درس نپردازند. درس بسیار جدی است؛ درس بسیار مهم است؛ علم و سواد پایه‌ی اصلی است؛ بدون آن هیچ نقشی نمی توانید ایفا کنید، یا درست نمی توانید ایفا کنید. نقش آفرینی غلط، از نقش آفرین نبودن به مراتب خسارت بارتر است.

۵. از اول طلبگی به طلبه‌ها اینجور یاد داده‌اند!

در زمینه‌ی تحصیل علم، فقط هم به آموزش محض اکتفاء نکنیم، تولید کنیم، اجتهاد کنیم. طلبه از اول یاد بگیرد به اینکه وقتی چیزی را می‌شنود ولو در درس، استدلال او را مطالبه کند؛ آن استدلال را به ذهن خود تحویل بدهد؛ آن را تحلیل کند. این همان چیزی است که در درسهای طلبگی ما از اول، بنیانگذاری شده. میگفتند چرا گفتند «بدان اُیدک الله»، نگفتند «بخوان اُیدک الله»؟ چون خواندن ملاک نیست، دانستن ملاک است. این را از اول طلبگی به طلبه‌ها اینجور یاد داده‌اند.

۶. زنی طلبگی

من زنی طلبگی را در دو جمله می‌توانم معرفی کنم: پارسایی با عزت، و نظم در تحصیل و زندگی. طلبه، پارساگونه زندگی می‌کند... چه آنهایی که برخوردارند، چه آنهایی که دچار سختی‌هایی هستند- باید زنی طلبگی‌شان محفوظ بماند؛ یعنی حالت پارسایی و قناعت، همراه با عزت نفس؛ این یک. دوم، نظم در تحصیل و به تبع آن نظم در زندگی؛ که خصوصیت طلبگی نظم است.

۷. راه‌هایی دارد پیمودنی!

از لحاظ علمی و همچنین از لحاظ سیاسی، باید اعتماد به نفس کاملی را در خودتان به وجود آورید. علم شما، علم بسیار باارزشی است؛ علمی است که می‌تواند بسیاری از گره‌های زندگی بشر را باز کند. آگاهی سیاسی و موضع سیاسی شما و همچنین آگاهی فکری و مواضع فکری و اعتقادی شما باید طوری باشد که در محیط‌های مختلف اثر گذار باشید. این طور نباشد که طلبه‌ی جوان در مواجهه‌ی با توفان‌های فکری مخالف، به خود بلرزد و احساس ضعف و وحشت کند. این عزت نفس، این اعتماد به نفس، این قدرت تکیه‌ی به خود را باید حتماً در خود به وجود آورید.

۸. اگر بنده می‌خواستم برنامه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم را بنویسم

من لازم می‌دانم و بارها هم این نکته را گفته‌ام که همه‌ی طلاب و همه‌ی اهل منبر، یک دور آثار آقای مطهری را بخوانند... اگر بنده می‌خواستم برنامه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم را بنویسم، بلاشک یکی از مواد برنامه را این می‌گذاشتم که کتابهای آقای مطهری خوانده شود، خلاصه‌نویسی شود و امتحان داده شود.

۹. اگر بی اطلاع باشید.

در کنار درس، از اوضاع عالم و کشور و مسائل سیاسی مطلع باشید که اگر بی اطلاع باشید، به درد پاسخگویی به نیازهای مردم نخواهید خورد؛ این را صریحاً به شما می‌گویم. باید بدانید که در مملکت و در دنیا چه می‌گذرد و نیازهای مردم چیست. عالم هم باشید، تا آن وقت مفید باشید؛ و آلاً مفید نخواهید بود.

۱۰. سنت‌های خوب حوزه

یکی از سنت‌های رائج حوزه‌های علمیه، تواضع شاگرد در مقابل استاد بود؛ احترام به استاد... شاگرد بعد از درس، تا خانه‌ی استاد او را همراهی میکرد؛ بحث میکرد، صحبت میکرد، سؤال میکرد. گعده، گعده‌ی علمی؛ نشست، نشست تحقیقی و سؤال و جواب؛ اینها سنت‌های خوب حوزه‌ی ماست. دیگران میخواهند اینها را از ما یاد بگیرند، ما بیائیم اینها را تبدیل کنیم به روشهای دیگران که منسوخ و کهنه است؟! منابع:

<https://b2n.ir/f16984>

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42475>